

اثر بخشی الگوی تربیتی والدین مبتنی بر مهارت گفتگو در افزایش همدلی و ادراک رابطه والد (مادر) - فرزند (کاهش شکاف بین نسلی) در دانش آموزان مقطع متوسطه مدارس دولتی ناحیه (۱) شهرستان ارومیه

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۴/۰۶

خلاصه

مقدمه

ارتباط والدین و فرزندان از موارد مهمی است که سالها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. هدف مطالعه حاضر بررسی اثر بخشی الگوی تربیتی برای والدین مبتنی بر کسب مهارت گفتگو به منظور افزایش ادراک و همدلی رابطه والد (مادر) - فرزند (کاهش شکاف بین نسلی) در فرزندان نوجوان ایشان صورت گرفته است.

روش کار

پژوهش حاضر شبه آزمایشی و با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می باشد، جامعه آماری دانش آموزان و والد مادر مدارس متوسطه دولتی ناحیه (۱) شهرستان ارومیه می باشد که جمعاً ۶۰ نفر با روش نمونه گیری غیر تصادفی انتخاب و پس از غربالگری به دو گروه آزمایش و کنترل هر کدام ۳۰ نفر گمارده شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه ادراک رابطه والد - فرزند فاین (PCRS) و همدلی دیویس بودند. گروه آزمایش ۸ جلسه یک ساعته آموزش مهارت گفتگو را دریافت کردند. در تحلیل داده ها از روش آماری تحلیل کواریانس چند متغیری و تک متغیری استفاده شده است.

نتایج

آزمون فرضیه ها نشان داد که آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو فقط منجر به بهبود مولفه های عاطفه مثبت و ارتباط در ادراک رابطه والد - فرزندی گردید اما آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو در هیچ یک از مولفه های همدلی در فرزندان نوجوان آنها تأثیر معنادار نداشت.

نتیجه گیری

آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو بر مولفه عواطف مثبت از ادراک رابطه والد - فرزند در حقیقت نشانگر این موضوع است که با توجه به افزایش روزافزون اختلالات روانی و خلقی در کودکان و نوجوانان، ارتباط مادر که همواره منبع مهر و محبت به فرزندان است اهمیت بسیاری پیدا می کند. آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو بر افزایش (بهبود) مولفه ارتباط در ادراک رابطه والد مادر - فرزند تأثیر گذار است.

کلمات کلیدی

همدلی - ادراک رابطه والد - فرزند - گفت و گو
پی نوشت: این مطالعه فاقد تضاد منافع می باشد.

محمد مهدی مجلسی آذر^۱

خلیل غفاری^{۲*}

فائزه ناطقی^۳

^۱ فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، ایران

^۲ گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الیگودرز، ایران

^۳ گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، ایران

Email: khalilghaffari@mailfa.com

مقدمه

اولین و مهم‌ترین واحد اجتماعی که هر نوزاد پس از تولد در آن پا می‌گذارد و با آن آشنا می‌شود خانواده است. خانواده و به طور کلی، روابط والد و فرزند در شکل‌گیری شخصیت هر فرد بسیار مهم است. کودک در خانواده چگونگی روابط با بزرگترها، کوچکترها، روابط اجتماعی، طریقه برخورد با مسایل و مشکلات، احترام، عطف، خشونت و پرخاشگری را می‌آموزد(۱). الگوهای ارتباطی خانواده، نیز یکی از دیگر از خصوصیات مهم هر خانواده است که دربرگیرنده شیوه بیان افکار و احساسات اعضای خانواده با یکدیگر است و طبق پژوهش کوئرر و فیتز پاتریک^۱ ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده^۲ تأثیر مهمی بر نگرش، رفتارها و نحوه تعاملات نوجوان با والدین و والدین با فرزندان دارد(۲). بر این اساس پدر و مادر اولین کسانی هستند که بنیاد شخصیت سالم نوجوان را می‌گذارند، معمولاً والدین، نوجوانان خود را به صورت کودک می‌نگرند. درک نکردن نوجوانان باعث کشمکش بین آنان و والدین می‌شود. چون نوجوانی دوره انتقال ویژه‌ای است که تغییرات فیزیکی و روانی را در پی دارد، در این دوره ارتباطات خانواده‌ها تغییر پیدا می‌کند و نوجوان خود را کمتر در سلسله مراتب خانواده می‌بیند در نتیجه در تجارب ارتباطی والدین و نوجوانان تعارض افزایش پیدا کرده و صمیمیت کاهش پیدا می‌کند و در این ارتباطات نقش والدین برجسته می‌شود(۳). دوره نوجوانی و جوانی از حساس‌ترین و بحرانی‌ترین مراحل زندگی آدمی است. نوجوان از مرز کودکی گذشته و وارد مرحله نونی شده است. ورود به دوره نوجوانی فرد را با مشکلات فراوانی مواجه می‌کند. استانلی^۳ هال^۳ که به پدر روان‌شناسی بلوغ معروف است این مرحله را دوران طوفان و فشار می‌نامد. تحول بلوغ، تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی نوجوان را دگرگون می‌کند. تقریباً همگان اقرار دارند که دوران

نوجوانی و در عین حال بلوغ از مهم‌ترین و مسأله‌سازترین مراحل تکامل و زندگی انسان است و تا حدودی نیز از مشکلات و مسائل آن آگاهی دارند ولی کمتر کسی است که با راه حل‌های صحیح و اصولی آن آشنا باشد. برای حل این مشکلات و قدم گذاشتن در مسیر درست ابتدا باید ویژگی‌ها و خصوصیات طبیعی و غیرطبیعی این دوران را شناخت(درویش محمدی، ۱۳۹۱). بنابراین زمانی که مسئولیت‌ها در خانواده مشخص است اعضاء در عین حال که ابهامی در مورد نقش‌های خود ندارند، می‌توانند در فضایی منعطف و حمایت‌گر نظرها را مطرح و حل نمایند، طبیعتاً تعارضات بین فردی کمتر و صمیمت و رضایت خانوادگی بیشتری به چشم می‌خورد. اعضای خانواده‌هایی که دارای گفت و شنود^۴ زیادی هستند آزادانه، به طور مکرر و خودانگیخته با یکدیگر تعامل می‌کنند، آنها دامنه وسیعی از موضوعات را مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌دهند(رحیمی، یوسفی، ۱۳۸۹). گفت و گو فقط برای گرفتن ایرادات یکدیگر نیست بلکه شیوه‌ای اثرگذار در کشف و کسب آگاهی‌هایی است که طرفین بحث در آن مشارکت می‌کنند و این مشارکت موجب همدلی^۵ و همزبانی می‌شود. در حقیقت گفت و گو به عنوان راه کشف و انتقال حقیقت ناشناخته است(۴). یکی از عواملی که باعث افزایش اثربخشی ارتباطات می‌باشد، همدلی است. وقتی انسان با دیگری همدل می‌شود، یعنی با تمام وجودش می‌فهمد که فرد مقابل چه می‌گوید و چرا چنان است، در واقع یک رابطه عاطفی برقرار کرده است که اساس این نزدیکی عاطفی، همدلی است و ریشه و بنیاد تجربه ما انسان‌ها، "ما" به جای "من" و "تو" است. در واقع این تخلیل عاطفی ایجاد شده به معنای توافق و تأیید نیست، یک درک است. یعنی مستقیماً لایه‌های زیرین احساسات و خواسته‌ها و محرک‌های روانی فرد دیگر را حس و درک می‌کنیم و به دنیا از چشم وی بنگریم، "اگر من جای او بودم چه احساسی داشتم؟"(منصوری شاد، ۱۳۸۹). کیفیت رابطه والد-

¹ Koeraner & Fitzpatrick

² Family communication patterns

³ Stally hall

⁴ Conversation

⁵ Empathy

هدف از پژوهش حاضر مطالعه اثرات آشنایی والدین با مهارت گفتگو در مادران بر ادراک رابطه والد (مادر)- فرزند در فرزندان نوجوان آنان و مطالعه اثرات آشنایی والدین با مهارت گفتگو در مادران بر افزایش همدلی در فرزندان نوجوان آنان می باشد که آیا آشنایی والد (مادر) با مهارت گفتگو باعث ادراک رابطه والد(مادر)- فرزند خواهد شد؟ و آیا آشنایی والد (مادر) با مهارت گفتگو باعث افزایش همدلی در فرزندان نوجوان آنان می شود؟

پیشینه تحقیق

ماهیت و مفهوم ادراک رابطه والد - فرزند: ارتباط والدین و ارتباط والدین و فرزندان از موارد مهمی است که سالها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین فرد و محیط اطراف او را به وجود می آورد، کودک در خانواده پندارهای اولیه در باره جهان را فرا می گیرد و از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد، هنجارهای رفتاری را یاد می گیرد، نگرش های اخلاقی و روحیاتش شکل می گیرد و به عبارتی اجتماعی می شود (۷). روابط والد و فرزند نه تنها در دوره کودکی حائز اهمیت است، بلکه در دوره بزرگسالی هم روابط بین والدین و فرزندان بسیار مهم است چنان که تأثیر روابط والد - فرزند در بزرگسالی روی سلامت روان و پریشانی روان شناختی فرزندان تأیید شده است (۸).

ماهیت و مفهوم همدلی: از آنجایی که همدلی یک ظرفیت فردی برای فهم رفتار دیگران، تجربه احساسات آنها و بیان آنچه فهمیده ایم به آنهاست، فرد را با احساسات و افکار دیگران هماهنگ می کند و او را به دنیای اجتماعی پیوند می زند (۹). همدلی مفهوم مهمی در حوزه روان شناسی و بین فردی است. نگران شدن از ناراحتی دیگران، حتی در میان کودکان دوازده ماهه و نیز در میان میمون ها و بوزینه ها مشاهده می شود همدلی به مثابه یک ویژگی شخصیتی و هم به مثابه یک

فرزند با عزت نفس و مهارت های اجتماعی نوجوانان رابطه مثبت و معناداری داشته و پیش بینی کننده مثبت آنها می باشد (طاهری، ۱۳۹۰). نوجوانان در خانواده هایی که عملکرد خوبی دارند به والدین دلبسته می مانند و راهنمایی آنها را می طلبند، اما این کار را در بستری از آزادی بیشتر انجام می دهند. وجود تعارض خفیف، با کمک کردن به اعضای خانواده تا اختلاف نظر خود را ابراز و تحمیل کنند، به هویت نوجوانان کمک می کند. تعارض ها، همچنین والدین را از تغییر نیازها و انتظارات نوجوانان آگاه می سازند و خبر می دهند که روابط والدین-فرزند بایستی با توجه به شرایط جدید این عضو خانواده، تنظیم شود (صادقی، ۱۳۸۹). بر اساس پژوهش مقایسه کیفیت رابطه والد و فرزند در دانش آموزان دبیرستانی دارای بحران هویت و فاقد بحران هویت، دانش آموزانی که رابطه آنها با والدین خوب و سالم است در کنار خانواده فرصت پیدا می کنند تا به ابراز وجود پردازند و در شرایط مشابه در خارج از محیط خانه با اعتماد به نفس و رفتارهای دلپسند با دیگران برخورد کنند و این خود باعث ایجاد احساس مثبت در دانش آموزان می شود (پرهیزگار، محمودنیا، محمدی، ۱۳۸۸). نوجوانانی که والدین خود را آزادمنش، گرم و حمایتی ادراک می کنند، سازگاری بهتری (اعتماد به نفس بالاتر، احساس رضایت بیشتر از دوستان و زندگی عاطفی، تحریک پذیری کمتر) را در پنج سال بعدی زندگی خود تجربه خواهند کرد (خوئی نژاد، رجایی، محبراد، ۱۳۸۶). بررسی های اخیر نصیری (۱۳۹۳) (۵) نشان داده که کیفیت رابطه والدین و فرزندان ارتباط نزدیکی با رفتارهای نوجوان و سازگاری روانی آنها دارد و هر اندازه میزان تعارض والدین و نوجوانان بیشتر باشد، میزان هیجانات منفی و مشکلات رفتاری در نوجوانان بیشتر می شود. حفظ ارتباط مثبت بین والدین و نوجوان، می تواند یادگیری نوجوان را درباره مسائل مرتبط با شایستگی های اجتماعی تسهیل کند، زیرا، روابط متقابل با خانواده، نوجوان را به سوی اجتماعی شدن سوق می دهد (۶).

از دور تسلسل و تکرار ارتباط غیرمنطقی و آموخته شده بین اعضا است (۱۲).

روش کار

مطالعه حاضر از نوع شبه آزمایشی با استفاده از طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از جدول کوهن استفاده شد که در هر گروه کنترل و آزمایش معادل ۳۰ نفر برآورد شد و در مجموع ۶۰ نفر مورد بررسی قرار گرفتند. روش نمونه‌گیری غیرتصادفی (در دسترس) بوده و به تصادف در دو گروه کنترل و آزمایش جایگزین شده‌اند.

برای اجرای این پژوهش، برای گروه آزمایش والد (مادر) ۸ جلسه یک ساعته برای دستیابی به الگوی مهارت گفتگوی صحیح مطابق جدول ذیل برگزار گردید و آموزش‌ها به صورت کارگاهی به گروه مورد نظر انتقال داده شد. در جلسات مورد نظر شیوه‌های صحیح گفتگو و نکاتی مانند "تسهیل‌گری"، "مسئله‌سازی"، "همدلی"، "خودتصحیحی"، "خودشناسی" و "تفکر انتقادی" مورد بحث واقع گردید (۱۳).

ابزار پژوهش

برای سنجش ادراک رابطه والد- فرزند از پرسشنامه رابطه والد- فرزند فاین استفاده شده است که از ۲۴ گویه، توسط مارک.آ.فاین، جی.آر. مورلند و اندرو اسچوویل (۱۹۸۳) ساخته شده است و به منظور سنجش کیفیت ارتباط والدین و فرزندان به کار می‌رود. PCRS^۷ دو فرم دارد که یکی برای سنجش رابطه فرزند با مادر و دیگری برای سنجش رابطه فرزند با پدر است. هر دو فرم برای پدر و مادر یکسان است. برای سنجش همدلی در این پژوهش از پرسشنامه همدلی دیویس استفاده گردیده است. این پرسشنامه نیز در سال ۱۹۸۳ معرفی شده و از ۲۱ گویه تشکیل شده است و میزان همدلی را در افراد مورد بررسی و ارزیابی قرار داده است.

توانایی، شرایط لازم را برای توجه به بسیاری از پدیده‌ها فراهم می‌کند. افراد همدل سه خصیصه مهم دارند، اول اینکه درباره نیازهای دیگران نوعی احساس نگرانی دارند، دوم، این که با دیگران اشتراک نظر دارند، یعنی قادرند خود را جای دیگران بگذارند و به مسائل از نگاه آنان بنگرند، سوم اینکه احساسات همدلانه دارند و آن را از طریق رفتارهای مناسب، نشان می‌دهند. فشباخ^۸ نیز همدلی را بر اساس دو جزء عاطفی، شامل توانایی در شناسایی و نام‌گذاری حالات دیگران و یک جزء دیگر شامل توانایی نشان دادن پاسخ عاطفی تحلیل می‌کند (۱۰).

ماهیت و مفهوم مهارت گفتگو: امروزه به گونه‌های مختلف با یکدیگر در ارتباطیم تا اندیشه‌ها، احساسات و تمایلات خود را به یکدیگر منتقل کنیم. میزان علاقه و احترام خود را نشان دهیم و رنج و اندوه، شادمانی و خرسندی و شک و دودلی را با دیگران در میان بگذاریم. روابط ما مطلوب یا نامطلوب، شکل دهنده بخش عمده‌ای از اوقات روزانه ماست. ما به شکل‌های مختلف با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم و این ارتباط گاهی برای کسب اعتبار، گاهی به عنوان مشورت و گاهی در مقام گلابه و شکوه و غیره است. ارتباط، فرآیندی است که از طریق آن، پیام‌ها صرف‌نظر از ماهیت وسیله‌ای که به کار برده می‌شود، از فردی به فرد دیگر انتقال پیدا می‌کند و به این ترتیب کنش متقابل امکان‌پذیر می‌گردد (۱۱). بیشتر تعارض‌هایی که در خانواده بین نوجوان و والدین بوجود می‌آید، ناشی از مهارت‌های ناکافی در امر مذاکره بین اعضای خانواده، عدم توافق نسبت به قواعد و مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های ضعیف در حل مسأله، مهارت‌های ارتباطی ضعیف، دریافت‌های شناختی تحریف شده، ضعف در توانایی درک دیدگاه دیگران، عدم مهارت کافی در کنترل خشم، ضعف در مهارت‌های تصمیم‌گیری و جرأت‌ورزی (زارب؛ ترجمه خدایاری‌فرد و عابدینی، ۱۳۹۳) که نشأت گرفته

⁷ Parent – Child Relationship Survey

⁶ Feshbak,s

جلسات	موضوع	اهداف
اول	آشنایی و مطرح نمودن موضوع گفتگو	ایجاد آشنایی اعضا و اعتماد نسبت به گروه آشنایی با قوانین
دوم	آشنایی با عبارات و اصطلاحات در گفتگو (ارزشیابی و گوش دادن فعال)	تصحیح باورها درباره گفتگو و روش سوال پرسیدن شناخت موارد مبهم در زمینه گفتگو مانند ارزشیابی و گوش دادن فعال
سوم	آشنایی درباره تسهیل گری و بازشناسی	آگاهی از گوش دادن به حرف های خودی یادگیری تسهیل گری کشف های جدید ظرفیت های گفتگو
چهارم	مسئله شناسی و مسئله یابی	کسب بینش درباره مسئله شناسی
پنجم	همدلی	روشن نمودن معنی همدلی و افزایش آن
ششم	خود تصحیحی و خودشناسی	یادگیری خودشناسی برای خودتصحیحی
هفتم	تفکر نقاد	ایجاد درک بهتر موضوع یادگیری چگونگی تفکر نقاد
هشتم	اختتام گروه درمانی	آماده کردن گروه برای خاتمه کار دادن چشم انداز به گروه درباره عملکردشان در اجتماع ارزیابی مجدد

نتایج

ادراک رابطه والد-فرزند

شاپیرو-ویلیک	۲۸,۳۷۹۳	۲۹,۱۴۲۹	۳۲,۷۹۳۱	۳۱,۸۲۷۶
میانگین				
انحراف	۶,۹۹۱۹۰	۶,۹۶۹۳۲	۶,۶۱۹۱۲	۷,۶۳۴۸۳
آزردگی/سردرگمی استاندارد				
نقش شاخص شاپیرو-ویلیک	۰/۴۸۹	۰/۴۷۲	۰/۷۹۵	۰/۸۸۱
میانگین	۲۵,۰۳۴۵	۲۴,۹۶۶۷	۲۵,۷۹۳۱	۲۴,۹۶۴۳
انحراف	۴,۴۴۳۹۶	۴,۱۲۲۹۷	۵,۲۷۳۷۸	۵,۶۹۹۱۴
همانندسازی استاندارد (تعیین هویت)				
شاخص شاپیرو-ویلیک	۰/۸۱۲	۰/۱۷۲	۰/۲۸۱	۰/۵۲۳
میانگین	۴۹,۰۰۰	۴۳,۷۲۴۱	۴۴,۲۰۶۹	۴۰,۷۵۸۶
انحراف	۹,۲۸۹۰۱	۸,۷۵۰۰۹	۱۱,۴۹۰۳۰	۱۳,۶۷۹۱۲
ارتباط استاندارد				
شاخص شاپیرو-ویلیک	۰/۱۳۰	۰/۱۷۹	۰/۱۳۳	۰/۰۷۴

جدول ۱ میانگین، انحراف استاندارد و شاخص شاپیرو-ویلیک مولفه های ادراک رابطه والد فرزند شامل عاطفه مثبت، آزردگی/سردرگمی نقش، همانند سازی (تعیین هویت) و ارتباط را در دو گروه آزمایش و کنترل و در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون نشان می دهد. با توجه به جدول شماره ۱ و سطوح معناداری می توان گفت انحراف از مفروضه توزیع نرمال شدید نبوده و این مقدار از انحراف از مفروضه توزیع نرمال نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار نداد.

جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد و شاخص شاپیرو-ویلیک و مولفه های رابطه والد-فرزند در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

مولفه ها	شاخص آماری	گروه کنترل		گروه آزمایش	
		پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون
میانگین		۸۴,۷۶۰۰	۹۲,۸۸۸۹	۸۵,۰۰۰۰	۹۴,۸۳۳۳
انحراف		۲۶,۶۳۴۶	۲۱,۲۴۰۹۹	۱۹,۰۱۱۷۹	۱۶,۹۰۹۶۷
عاطفه مثبت استاندارد		۰/۰۳۶	۰/۰۱۳	۰/۲۵۸	۰/۰۷۴
شاخص					

مفروضه های تحلیل کواریانس (برای فرضیه اول)

فرضیه اول: آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو منجر به بهبود مولفه های ادراک رابطه والد-فرزند در فرزندان نوجوان آنان می شود. در جدول ۲، برای آزمون استقلال سطوح متغیر پیش

آزمون از متغیر عضویت گروهی از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد و نتایج نشان داد بین دو گروه آزمایش و کنترل پیش از اجرای متغیر مستقل، تفاوت معناداری به لحاظ مولفه‌های ادراک رابطه والد-فرزند وجود ندارد.

جدول ۲- استقلال متغیرهای پیش آزمون از متغیرهای گروه

Tests of Between-Subjects Effects					
Dependent Variable: pretestQ24					
Sig.	F	Mean Square	df	Type III Sum of Squares	Source
.۴	.855	992.956	2	1985.913 ^a	Corrected Model
.000	21.451	24921.360	1	24921.360	Intercept
.433	.855	992.956	2	1985.913	Groups * posttestQ24
		1161.772	43	49956.196	Error
			46	1010123.000	Total
			45	51942.109	Corrected Total

a. R Squared = .038 (Adjusted R Squared = -.007)

فرزند در مرحله پس آزمون در دو گروه تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد.

جدول ۳ برابری واریانس خطا، برای آزمون برابری واریانس خطا از آزمون لون استفاده شد، همچنان که مشاهده می‌شود واریانس‌های خطای مولفه‌های ادراک رابطه والد-

جدول ۳- آزمون لون در مورد برابری واریانس‌های خطا

Sig.	df2	df1	F	
.۰۰۶۳	۱۰۱	۳	۲/۵۱۵	عاطفه مثبت
.۰۷۱۴	۱۰۱	۳	۰/۴۵۵	آزردگی/سردرگمی نقش
.۰۵۷۰	۱۰۱	۳	۰/۶۷۵	هماندسازی (تعیین هویت)
.۰۰۵۰	۱۰۱	۳	۲/۶۹۱	ارتباط

مهارت گفت و گو مولفه‌های آزردگی/سردرگمی نقش و همانندسازی (تعیین هویت) ادراک رابطه والد فرزند را در سطح معناداری ۰/۰۵ تحت تأثیر قرار نداد.

جدول ۴ که نشان دهنده آزمون همگنی بین پیش آزمون‌ها و پس آزمون‌ها برای مولفه‌های ادراک رابطه والد-فرزند در دو گروه آزمایش و کنترل است و با توجه به جدول به دست آمده می‌توان گفت انحراف از مفروضه‌ها شدید نبوده پس می‌توان انتظار داشت این میزان از انحراف نتایج پژوهش را تحت تأثیر قرار ندهد.

جدول ۴- همگنی شیب خط رگرسیون

Sig.	F	متغیرها
.۰۰۵۸	۴/۲۳۵	عاطفه مثبت
.۰/۶۵۴	۰/۱۱۰	آزردگی/سردرگمی نقش
.۰/۸۶۵	۱/۷۵۳	هماندسازی (تعیین هویت)
.۰/۴۹۶	۲/۱۲۰	ارتباط

جدول ۵ که بر اساس نتایج این جدول، اجرای متغیر مستقل در سطح معناداری ۰/۰۱ مولفه عاطفه مثبت و در سطح ۰/۰۵ مولفه ارتباط ادراک رابطه والد-فرزند را تحت تأثیر قرار داده است. براساس داده‌های این جدول آشنایی والد مادر با

جدول ۵- نتایج تحلیل کواریانس چند متغیره در آزمون آموزش مهارت گفتگو به مادران بر مولفه‌های ادراک والد- فرزند

متغیرها	میانگین مجزورات بین گروهی	df	میانگین مجزورات خطا	F	سطح معنی داری	Partial Eta Squared
عاطفه مثبت	۲۳۹۴/۴۷۲۶	۳	۷۹۸/۱۴۲	۱/۷۴۷	۰/۰۴۸	۰/۰۴۹
آزردگی/سردرگمی نقش	۳۷۱/۱۷۵	۳	۱۲۳/۷۲۵	۲/۷۳۲	۰/۱۶۲	۰/۰۷۵
هماندسازی (تعیین هویت)	۱۷/۷۶۰	۳	۵/۹۲۰	۰/۲۳۳	۰/۸۷۳	۰/۰۰۷
ارتباط	۱۲۵۴/۹۵۰	۳	۴۱۸/۳۱۷	۳/۳۶۴	۰/۰۲۲	۰/۰۹۱

جدول ۶، میانگین و انحراف استاندارد مولفه‌های همدلی شامل دغدغه همدلی، دیدگاه گرایی و آشفتگی شخصی را در دو گروه آزمایش و کنترل و در دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون نشان می‌دهد. با توجه به جدول هیچ‌یک از شاخص‌های شاپیرو- ویلک برای هیچ‌یک از مولفه‌ها در هیچ کدام از مراحل پیش یا پس آزمون در سطح معناداری ۰/۰۵ معنادار نیست که نشان دهنده توزیع نرمال هر سه مولفه در هر دو مرحله پیش آزمون و پس آزمون می‌باشد.

مفروضه‌های تحلیل کواریانس برای فرضیه دوم فرضیه دوم: آشنایی والد-مادر با مهارت گفتگو منجر به افزایش مولفه‌های همدلی در فرزندان نوجوان آنها نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پرهیزگار، محمودنیا و محمدی (۱۳۸۸)، در پژوهشی نشان دادند، دانش آموزانی که رابطه آنها با والدین خوب و سالم است در کنار خانواده فرصت پیدا می‌کنند تا به ابراز وجود پردازند و در شرایط مشابه در خارج از محیط خانه با اعتماد به نفس و رفتارهای دلپسندانه با دیگران برخورد کنند، که این خود باعث احساس مثبت در دانش آموزان می‌شود و والدینی که رابطه سالم و مثبتی با دانش آموزان دارند، فرزندان آنها را دوست و یاور خود می‌دانند و این نگرش مثبت و رابطه دوستانه را به دیگران انتقال می‌دهند که این نیز به نوبه خود باعث تقویت روحیه دانش آموزان می‌شود و وی را به زندگی و آینده امیدوار می‌کند؛ حال اگر این رابطه صحیح نباشد نوجوان دچار مشکلات عدیده‌ای می‌شود.

جدول ۷، نشان دهنده استقلال متغیرهای پیش آزمون از متغیر گروه است که برای بدست آوردن آن از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد و نتایج بدست آمده نشان داد بین دو گروه آزمایش و کنترل پیش از اجرای متغیر مستقل تفاوت معناداری به لحاظ مولفه‌های همدلی وجود ندارد.

جدول ۸، دربردارنده نتایج آزمون برابری واریانس خطای متغیر پس آزمون در بین دو گروه آزمایش و کنترل با استفاده از آزمون لون می‌باشد که نشان می‌دهد واریانس‌های خطای مولفه‌های همدلی در مرحله پس آزمون در دو گروه تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول ۹ نتیجه آزمون همگنی شیب خط رگرسیون بین پیش آزمون و پس آزمون برای مولفه‌های همدلی در دو گروه

جدول ۶- میانگین، انحراف استاندارد و شاخص شاپیرو-ویلک و مولفه‌های همدلی در مراحل پیش آزمون و پس آزمون

گروه آزمایش		گروه کنترل		شاخص آماری	مولفه‌ها
پس آزمون	پیش آزمون	پس آزمون	پیش آزمون		
۲۲/۸۹۶۶	۲۱/۶۳۳۳	۲۰/۸۹۲۹	۲۱/۴۸۲۸	میانگین	دغدغه همدلانه
۲/۷۸۱۸۹	۲/۸۹۴۵۱	۳/۷۷۴۵۷	۳/۲۱۴۰۴	انحراف استاندارد	
۰/۳۸۶	۰/۲۶۳	۰/۴۱۳	۰/۱۳۲	شاخص شاپیرو-ویلک	
۱۷/۹۳۳۳	۱۷/۵۸۶۲	۱۷/۱۰۳۴	۱۷/۴۳۳۳	میانگین	دیدگاه گرایی
۳/۱۹۴۱۰	۳/۱۷۹۳۷	۴/۴۶۶۹۰	۴/۳۹۱۸۷	انحراف استاندارد	
۰/۵۵۵	۰/۲۲۱	۰/۰۴۷	۰/۱۷۲	شاخص شاپیرو-ویلک	
۲۱/۴۸۲۸	۲۱/۳۲۱۴	۱۹/۵۰۰۰	۲۰/۰۰۰۰	میانگین	آشناختگی شخصی
۳/۶۸۹۹۵	۳/۳۴۵۰۲	۳/۹۸۰۵۶	۲/۹۰۰۶۵	انحراف استاندارد	
۰/۷۱۸	۰/۱۴۴	۰/۵۳۲	۰/۰۷۸	شاخص شاپیرو-ویلک	

جدول ۷- استقلال متغیرهای پیش آزمون از متغیر گروه

Tests of Between-Subjects Effects

Dependent Variable: posttestQ21

Sig.	F	Mean Square	df	Type III Sum of Squares	Source
.693	.369	12.944	2	25.888 ^a	Corrected Model
.000	106.066	3719.175	1	3719.175	Intercept
.693	.369	12.944	2	25.888	Groups * pretestQ21
		35.065	49	1718.170	Error
			52	192925.000	Total
			51	1744.058	Corrected Total

a. R Squared = .015 (Adjusted R Squared = -.025)

جدول ۸- آزمون لون در مورد برابری واریانس خطای متغیر

متغیرها	F	df1	df2	Sig.
دغدغه همدلانه	۰/۲۷۳	۱	۵۴	۰/۶۰۴
دیدگاه گرایی	۰/۳۹۷	۱	۵۴	۰/۵۳۱
آشناختگی شخصی	۱/۵۷۴	۱	۵۴	۰/۲۱۵

جدول ۹- همگنی شیب خط رگرسیون

متغیرها	F	Sig.
دغدغه همدلانه	۱/۱۷۳	۰/۳۳۵
دیدگاه گرایی	۱/۲۲۸	۰/۲۹۶
آشناختگی شخصی	۰/۹۷۴	۰/۴۹۶

کشتکاران (۱۳۸۸)، در پژوهش خود به این نتیجه رسید که بعد گفت و شنود پیش‌بینی کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری و بعد هم‌نوایی پیش‌بینی کننده منفی و معنادار تاب‌آوری است. به عبارت دیگر خانواده‌ها با بعد گفت و شنود بالا، تاب‌آوری بالاتری نسبت به خانواده‌هایی با هم‌نوایی بالا دارند و میان انواع خانواده‌ها از لحاظ میزان تاب‌آوری تفاوت وجود دارد (۲).

سپهری و پاکدامن (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان به این نتایج دست پیدا کردند که در ارتباط با مادر، پسران و دختران با گفت و شنود بالا شیوه موفتلفانه را به کار می‌برند، این در حالی است که

عاطفی فرزند نقش اساسی در شکل‌گیری، تداوم و پیش‌گیری از رفتارهای ناسازگارانه بر عهده دارند و چنان‌چه والدین نتوانند محبت سازنده‌ای نسبت به فرزند خود داشته باشند امکان بروز بزه در آنها افزایش می‌یابد (۱۸).

پورسینا، احمدی، شفیع‌آبادی (۱۳۹۳)، در پژوهش اثربخشی شادکامی بر اضطراب پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد فرزندی دریافتند آموزش شادکامی بر ارتباط والد مادر-فرزند موثر بوده است (۱۲).

خسروجاوید، خانزاده (۱۳۹۴)، در پژوهشی به مطالعه تأثیر آموزش گروهی مهارت‌های ارتباطی در سازش‌یافتگی و همدلی دانش‌آموزان پرداخت و به این نتیجه رسید که این آموزش‌ها بر همدلی دانش‌آموزان به طور معناداری موثر هستند و در این راستا به نقش آموزش مهارت ارتباطی در کیفیت تعامل اجتماعی و هیجانی دانش‌آموزان با همسالان و محیط پیرامون توجه ویژه‌ای داشت (۱۹).

افتخاری (۱۳۹۶)، در پایان‌نامه خود که به بررسی اثرات و کسب مهارت‌های گفتگو و ارتباط در افزایش ادراک مادر-فرزند پرداخته بودند به این نتیجه رسیدند که آشنایی والدین با مهارت‌های ارتباطی و به ویژه مهارت گفتگو منجر به بهبود مولفه‌های عاطفی مثبت و ارتباط در ادراک رابطه والد(مادر)-فرزندی می‌گردد ولی این امر به هیچ عنوان باعث افزایش معنادار مولفه‌های همدلی در فرزندان نمی‌شود (۱۳).

پژوهش‌های خارجی

آلیسون^۱ (۲۰۰۰)، به این نتیجه رسید که در طی سال‌های دبیرستان در تعامل نوجوانان و والدین تعارض آشکار می‌گردد. آلیسون و شولتز^۲ (۲۰۰۴)، در پژوهشی نشان دادند که در رابطه والد-نوجوان (فرزند) تعارض امری اجتناب‌پذیر است و این تعارض بیشتر در بین دختران و مادران مشاهده می‌شود که خود این تعارض دارای پیامدهای منفی است که منجر به بروز رفتارهای ناسازش‌گرایانه در افراد می‌شود.

پسران با هم‌نواپی بالا، بیشتر از شیوه‌های خدمتکارانه، سلطه‌گرایانه و دختران بیشتر از شیوه‌های اجتنابی، سلطه‌گرایانه و خدمتکارانه استفاده می‌کنند (۱۴).

سحاوت و عطاری (۱۳۹۰)، نشان دادند که آموزش مبتنی بر تحلیل ارتباط محاوره‌ای باعث بهبود روابط مادر-فرزند و مولفه‌های آن می‌شود (۱۵).

شعاع‌کاظمی (۱۳۹۰)، در پژوهشی نشان دادند که بحران خانوادگی، جو سرد عاطفی خانواده و اختلاف خانوادگی از علل بروز سوء مصرف مواد است و کیفیت رابطه والد-فرزندی نوجوانان عادی، در تمامی ابعاد رابطه، بهتر از روابط والد-فرزندی نوجوانان معتاد است (۱۶).

نصیری (۱۳۹۰)، در پژوهشی با عنوان مشورت آدلری با والدین به منظور بهبود رابطه والد-فرزندی، نشان داد که والدین به ندرت از تجربه، آموزش و زمینه تربیتی کافی برخوردارند که بتوانند به طور کارآمد در نقش خود به عنوان والدین مراقب کودک خود عمل کنند (به ایفای نقش پردازند) (۵).

هنرپروران، قادری، امیریان (۱۳۹۰) در تلفیق دو رویکرد شناخت درمانی و واقعیت درمانی گروهی بر ارتباط مادر فرزندی نشان داد این روش تأثیر مثبت و معناداری بر رابطه مادر فرزندی در مولفه‌های گفت و شنود، عاطفه مثبت و سردرگمی نقش دارد و در همانندسازی تأثیری ندارد (۱۷).

اکبری و دیگران (۱۳۹۲)، در تحقیقی که در رابطه با همدلی انجام داده بودند به این نتیجه رسیدند که نوجوانانی که نمره بالاتری در همدلی به دست می‌آورند در آزمون تئوری ذهن نیز نمرات بالاتری داشتند (تئوری ذهن به توانایی افراد در پیش‌بینی رفتار خود و دیگران اشاره دارد). در حقیقت تئوری ذهن به ما این امکان را می‌دهد که در اجتماع ظاهر شده و به تعامل با دیگران پردازیم.

خانزاده و دیگران (۱۳۹۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که آسیب‌های روانی خانواده، کیفیت نامطلوب رابطه والدین با کودکان، نظارت بی‌ثبات والدین، بی‌توجهی و غفلت والدین نسبت به نوجوانان از عوامل خانوادگی موثر در بروز رفتارهای ضد اجتماعی هستند. والدین و بویژه مادر به عنوان منبع تغذیه

¹ Alison

² Alison & Schultz

توجه به افزایش روزافزون اختلالات روانی و خلقی در کودکان و نوجوانان، ارتباط مادر که همواره منبع مهر و محبت به فرزندان است اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. مادران می‌توانند حالات نفسانی خود را از یکدیگر تشخیص دهند و نقش "من" والدین را کاهش داده و "من" بالغ را پرورش می‌دهد. مادر تفکر آگاهانه را فعال کرده و سعی می‌کند به جایگاه (من خوب هستم، تو خوب هستی) برسد. نوجوان نیز می‌تواند نقش‌ها و الگوهای مناسب را فرا گیرد و عاطفه مثبت را بروز دهد. مادر که منبع دلبستگی فرزند است با پرورش دلبستگی ایمن در فرزند خود می‌تواند کمک کند تا عواطف مثبتی مانند همدلی، همدردی، مهربانی و دلسوزی را در محیط خانواده و در ارتباط با دوستان همسال بروز دهد (۱۵).

با توجه به نتایج تحلیل بر روی نمره‌های پس‌آزمون گروه کنترل و آزمایش مشخص شد که آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو بر کاهش سردرگمی/آزردگی نقش فرزندان آنان تأثیرگذار نبوده است و عدم معناداری را نشان می‌دهد که این نتایج با پژوهش عراقی (۱۳۸۷) و بروکس (۱۹۹۷) همسو نمی‌باشد.

یکی از عواملی که می‌توان در عدم سردرگمی تأثیرگذار دانست مربوط به والدین است یعنی نوع ارتباط نوجوان با والدین در چگونگی شکل‌گیری هویت آنان موثر است. نوجوانان در حال پراکندگی هویت (سردرگمی نقش) غالباً کسانی هستند که از جانب والدین خود به فراموشی سپرده و یا طرد شده‌اند. والدینشان استقلال را تشویق و کنترل کمی بر آنان اعمال می‌کردند. والدین نوجوانان با هدایت سردرگم شیوه‌های فرزندپروری غیر ثابتی را اعمال می‌کردند و جوانان با هویت دنباله‌رو، والدینشان کنترل زیادی را بر آنها اعمال می‌کردند و استقلال را کمتر تشویق می‌نمودند (سادات‌رضوی، ۱۳۸۸).

نتایج حاصل بر روی نمره‌های پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل نشان داد که آشنایی والد مادر باعث بهبود مولفه همانندسازی در فرزندان ایشان نمی‌شود که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های افتخاری (۱۳۹۶) همسو بوده و با پژوهش دوایی (۱۳۸۱)، عراقی (۱۳۸۷)، سخاوت، عطاری (۱۳۹۰) همسو نمی‌باشد. این امر ممکن است به دلیل شکاف بین نسلی باشد، به

شیرر، کروتر و هال^۱ (۲۰۰۵)، در پژوهشی به بررسی اثربخشی ادراک والدین از تغییر در روابط مادر- فرزند پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در این تعارضات در طول دوره ۴ ساله نوجوانی بیشتر بروز پیدا می‌کند که خود بستگی به واکنش‌های مثبت و منفی‌ای دارد که والد (مادر) نسبت به تغییر در روابط با فرزندانش نشان می‌دهد (۲۰).

لوت و شیفلر^۲ (۲۰۰۷)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های حل مسأله شناختی - اجتماعی در افزایش همدلی، کاهش اختلالات رفتاری و بهبود روابط بین شخص نقش بسزایی دارد (۲۱).

فلد من^۳ (۲۰۱۰)، در تحقیقی نشان داد نوجوانانی که در خانواده‌هایی تربیت می‌شوند که روابط والدین نسبت به فرزندان گرم و حمایت‌کننده است و میزان نظارت‌ها و کنترل‌ها منعطف‌گرایانه است، این نوجوانان در بزرگسالی نیز روابط گرم و متعهدانه با والدین خود تجربه خواهند کرد.

شرمن و دیگران (۱۴۲۰)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که افراد با کمک همدلی می‌توانند احساسات و افکار دیگران را نسبت به مسائل مختلف شبیه‌سازی کنند که این خود موجب تفسیر درست حالات ذهنی دیگران می‌شود (۲۲).

با توجه به یافته‌های پژوهش، نتایج دربردارنده این موضوع است که در آزمون فرضیه اول که عبارت بود از "آشنایی والدین با مهارت گفتگو منجر به بهبود مولفه‌های ادراک والد-فرزند می‌شود" این امر فقط منجر به بهبود مولفه‌های عاطفه مثبت و ارتباط در رابطه والد(مادر)- فرزند شد که این یافته‌ها، با نتایج پژوهش‌های پورسینا، احمدی، شفیع‌آبادی (۱۳۹۳) (۱۲)، سخاوت و عطاری (۱۳۹۰) (۱۵)، دوایی (۱۳۸۱)، افتخاری (۱۳۹۶) همسو می‌باشد (۱۳).

بر اساس یافته‌های پژوهش که آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو بر مولفه عواطف مثبت از ادراک رابطه والد-فرزند معنادار بوده است، در حقیقت نشانگر این موضوع است که با

¹ Shearer, Crouter & Hale

² Lovett & Sheffield

³ Feldman

⁴ Sherman et all

در تبیین این مسأله باید گفت، که آشنایی والد مادر با الگوی مهارت گفتگو برای ایجاد ارتباط بهتر و برطرف شدن سوء برداشت‌ها، منجر به انتخاب بهترین راه برای ایجاد تغییر مفید در زندگی و در جامعه مبتنی بر نظریه انتخاب و گوش دادن به حرف‌ها به جای اعمال زور و بدون قضاوت است که با کنار آمدن با دیگران می‌توان اختلاف‌ها را حل کرد (گلاسر، ترجمه فیروزبخت، ۱۳۸۲).

مادر با برقراری رابطه صمیمانه و منطقی با نوجوان، به وی اجازه می‌دهد تا به صورت منطقی با مسائل برخورد کند و به یک انضباط فردی و حل تعارضات و مشکلات نائل آید (سخاوت، عطاری، ۱۳۹۰).

با توجه به یافته‌های پژوهش نتایج تحلیل‌های آماری برای فرضیه دوم "آشنایی والدین (مادر) با مهارت گفتگو منجر به افزایش مولفه‌های همدلی در فرزندان نوجوان آنان می‌شود"، نشانگر آن است که آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو منجر به افزایش معنادار هیچ‌یک از مولفه‌های همدلی در فرزندان نوجوان آنان نشد؛ این یافته‌ها با نتایج پژوهش هراتیان و احمدی (۱۳۹۱)، افتخاری (۱۳۹۶) همسو بوده و با پژوهش رحیمی، یوسفی (۱۳۸۹) همسو نمی‌باشد.

در تبیین عدم معناداری این مولفه‌ها باید گفت شاید میزان آشنایی والدین با مهارت گفتگو ناکافی بوده و برای آموزش این مهارت به ایشان باید زمان و وقت بیشتری اختصاص داده شود.

طوریکه ممکن است شکاف بین‌نسلی که در بین نوجوانان با والدینشان وجود دارد و دیدگاه‌های متفاوت بین دو نسل و همچنین منابع جدید چون فیلم، اینترنت، ماهواره، شبکه‌های اجتماعی و الگوبرداری نوجوانان از این منابع باعث می‌شود نوجوان امروز علاقه به همانندسازی با مادر خویش را نداشته باشد؛ اما می‌تواند ارتباط مناسبی را با او برقرار کند، به او احترام بگذارد و او را تحسین کند و با او گفت و شنود داشته باشد، شاید در تبیین دیگری برای عدم معناداری همانندسازی نوجوانان با والد مادر، در این سن باید گفت، شاید نوجوانان تمایل دارند تا خود را همانند با همسالان یا دیگرانی به غیر از مادر همانند سازد. مسأله اساسی در دوره نوجوانی سازماندهی مجدد رابطه والد-فرزندی است، چرا که در این دوره معنای "خود"، از محدوده والدین به دنیای دوستی گسترش می‌یابد و این امر به نوبه خود بر تعامل والد-نوجوان تأثیرگذار است (۱۷).

با توجه به نتایج تحلیل‌های آماری بر روی نمره‌های پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل نشان داده شد که آشنایی والد مادر با مهارت گفتگو بر افزایش (بهبود) مولفه ارتباط در ادراک رابطه والد مادر-فرزند تأثیرگذار و معنادار بوده است.

این یافته با نتایج پژوهش‌های هنرپروران، قادری، امیریان (۱۳۹۰) (۱۷)، عراقی (۱۳۸۷)، سخاوت، عطاری (۱۳۹۰)، پورسینا، احمدی، شفیع آبادی (۱۳۹۳) و افتخاری (۱۳۹۶)؛ همسو بوده است.

References

- محمدجعفر ج، سوزان اپ، زهرا رک. رابطه بازی‌های رایانه‌ای با پرخاشگری و روابط والد-فرزند در دانش آموزان.
- طاهره ک. رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز.
- نژاد زب. نقش مادر در تربیت. طهورا در عرصه مطالعات زنان و خانواده. ۱۳۸۹؛ ۳(۶): ۲۱۰-۱۸۳.
- خانیک. بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم. Tehran: نشر هرمس؛ ۱۳۸۷.
- نصیری ک. اثربخشی مشورت آدلری با والدین بر بهبود رابطه والد-فرزندی دانش‌آموزان دختر پایه اول دبیرستان کوه‌دشت. Tehran: دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی؛ ۱۳۹۳.
- Fine MA, Moreland JR, Schwebel AI. Long-term effects of divorce on parent-child relationships. *Developmental Psychology*. 1983;19(5):703.
- نکیسا پ، محمد ا، پریسا پ، علی قا. بررسی ارتباط روابط عاطفی بین والدین و فرزندان با سازگاری تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان.

۸. بیابانگرد ا. روانشناسی نوجوانی. تهران: فرهنگ اسلامی; ۱۳۸۶.
۹. طاهر م، ابوالقاسمی ع، حاجلو ن، نریمانی م. مقایسه اثربخشی آموزش‌های همدلی و مدیریت خشم اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال نافرمانی مقابله‌ای. شناخت اجتماعی. ۱۳۹۵؛ ۵(۱۰): ۷۰-۹۱.
۱۰. هراتیان ع، احمدی م. رابطه حرمت خود بر همدلی نوجوانان. روان‌شناسی و دین. ۱۳۹۱؛ ۵(۱): ۶۴-۱۳۳.
۱۱. Koerner AF, Maki L, editors. Family communication patterns & social support in families of origin & adult children subsequent intimate relationships. International association for relationship research conference; 2004.
۱۲. پورسینا، احمدی، خدابخش، آبادی ش، عبدالله. اثربخشی شادکامی بر اضطراب، پیشرفت تحصیلی و ارتباط والد - فرزندی در دانش آموزان دختر. فصلنامه خانواده و پژوهش. ۲۰۱۳؛ ۱۰(۳): ۴۱-۵۴.
۱۳. افتخاری ط. اثر بخشی آموزش مهارت گفتگو به مادران بر افزایش همدلی و ادراک رابطه والد-فرزند در فرزندان نوجوان آنان. پایان نامه کارشناسی ارشد MA گرایش بالینی. ۱۳۹۶.
۱۴. سپهری، صفورا، پاکدامن. الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین. فصلنامه علمی-پژوهشی روشها و مدل‌های روانشناختی. ۲۰۱۰؛ ۲(۲): ۶۱-۷۵.
۱۵. سخاوت س، عطاری ی. بررسی اثربخشی آموزش رویکرد تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر بهبود روابط مادر-فرزندی در پسران مقطع راهنمایی شهرستان دزفول. یافته‌های نو در روانشناسی. ۱۳۹۰؛ ۵(۱۵): ۳۹-۵۶.
۱۶. کاظمی ش، مهرانگیز. رابطه بین آگاهی نسبت به مواد روانگردان و مصرف آن در دانشجویان رشته‌های علوم انسانی. مطالعات روانشناختی. ۲۰۱۱؛ ۷(۱): ۳۳-۴۸.
۱۷. هنرپروران ن، قادری ز، زاده لا. اثربخشی تلفیق دو رویکرد شناخت درمانی و واقعیت درمانی گروهی بر ارتباط مادر-فرزندی دختران نوجوان. روان‌شناسی کاربردی. ۲۰۱۴.
۱۸. حسین‌خانزاده، طاهر، سیدنوری، زهرا س، یحیی‌زاده، آیدا، et al. رابطه شیوه تعامل والد-فرزند با میزان اعتیادپذیری و گرایش به جنس مخالف در دانشجویان. فصلنامه علمی و پژوهشی اعتیادپژوهی. ۲۰۱۴؛ ۷(۲۸): ۷۴-۵۹.
۱۹. روش خ، سعیده، خسروجاوید، خانزاده ح. اثربخشی آموزش تنظیم هیجانی بر پذیرش اجتماعی و همدلی دانش‌آموزان مبتلا به نارساخوانی. ناتوانی‌های یادگیری. ۲۰۱۵؛ ۵(۱): ۳۲-۴۶.
۲۰. Shearer CL, Crouter AC, McHale SM. Parents' perceptions of changes in mother-child and father-child relationships during adolescence. *Journal of Adolescent Research*. 2005;20(6):662-84.
۲۱. Lovett BJ, Sheffield RA. Affective empathy deficits in aggressive children and adolescents: A critical review. *Clinical Psychology Review*. 2007;27(1):1-13.
۲۲. Lee SA, Guajardo NR, Short SD, King W. Individual differences in ocular level empathic accuracy ability: The predictive power of fantasy empathy. *Personality and Individual Differences*. 2010;49(1):68-71.

Original Article

The effectiveness of parenting skills model based on conversational skills in increasing empathy and understanding the parent-child relationship (reducing intergenerational gap) in high school students in public schools in district (1) of Urmia city

Received: 25/05/2020 - Accepted: 26/06/2020

Mohammad Mehdi Majlisi Azar¹
Khalil Ghaffari^{2*}
Faezeh Nateghi³

1 Philosophy of Education, Islamic Azad University, Arak Branch, Iran

2 Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Aligudarz Branch, Iran

3 Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Arak Branch, Iran

Email: khalilghaffari@mailfa.com

Abstract

Introduction: The relationship between parents and children is one of the important issues that has attracted the attention of experts and specialists in education for many years. The aim of the present study was to investigate the effectiveness of educational model for parents based on acquiring conversational skills in order to increase the perception and empathy of the parent-child relationship (reduction of intergenerational gap) in their adolescent children.

Materials and Methods: The present study is quasi-experimental with a pre-test and post-test design with a control group. The experimental and control groups were assigned. The instruments used in this study were the Parent-Child Fine Relationship Perception (PCRS) Questionnaire and Davis Empathy. The experimental group received 8 one-hour sessions of conversational skills training.

Results: The hypothesis test showed that the mother's parent's familiarity with conversational skills only improved the components of positive emotion and communication in perceiving the parent-child relationship, but the mother's parent's familiarity with conversational skills had no significant effect on any of the components of empathy in their adolescent children.

Conclusion: Familiarity of the parent with the skill of talking about the component of positive emotions from the perception of the parent-child relationship actually shows that due to the increasing psychological and mood disorders in children and adolescents, the mother's relationship, which is always a source of love for children. will find. Familiarity of the parent with the skill of conversation has an effect on increasing the component of communication in understanding the parent-child relationship.

Key words: Empathy - Perception of parent-child relationship - Conversation

Acknowledgement: There is no conflict of interest.